

و محبت ارادی چهار نوع است اول کمزور و حادث شود و زود
 زایل گردد دوم دیر شود و دیر باید سیم کمزور شود و زود
 چهارم کمزور شود و دیر باید چو غایت این محبت یا لذت یا
 نفع یا خیر یا مرکب و لذت محبتی است که زود شود و زود زایل
 که لذت سهل الحصول و سریع التقریر و نفع سبب محبتی است
 که دیر شود و زود رود و نفع عمیر الحصول باشد و سریع الاثقال
 و خیر سبب محبتی است که زود شود و دیر رود و آما زود شدن
 بنا بر کم میان اهل خیر نسبت جانی و موانست روحانی
 حاصلست و آما در رفتن جهت انجامه حقیقی که لازم خیر است و آما
 مرکب نیک محبتی است که دیر بندد و دیر کشاید چو اجتماع نفع و خیر
 اقتضای هر دو حال کند این سخن برین وجه در اخلاق ناهر و مذکور
 است و نظر دقیق اقتضای آن کند که مرکب از لذت و نفع در
 انفعاد متوسط باشد و در انحلال سریع و مرکب از لذت و خیر
 در انفعاد و انحلال هر دو متوسط باشد و مرکب از نفع و خیر در
 انفعاد متوسط و در انحلال بطی و علت این احکام بعد از ملاحظه

مقتضای

مقتضای هر یک از بسایط ظاهر است و امداعلم و محبت
 از صداقت اعلم است چو محبت میان جمعی کثیر تواند بود
 و صداقت کمتر از آن باشد و عیش احض است چو در یک
 دل عیش و کس نخند و علت عیش یا اذراط طلب لذت باشد
 یا اذراط طلب خیر و اول عیش مذموم است که سابقا بتقریر
 از آن عیشی همی رفت و ثانی عیش محمود که تقریر از آن عیشی
 نفسانی نموده شد و حکما گفته اند که نفع را نه با ستقلال و نه
 بدخلت در عیش مدخل نیست و منشاء صداقت جو انان
 بیشتر لذت باشد و چون لذت سریع الزوال است
 مصداقت ایشان نیز در معرض تبدل باشد و سبب صداقت
 پران اهل تجارب نفع باشد و لذت دستی ایشان را
 استادی باشد و سبب صداقت دانایان محض خیر باشد
 و چون خیر امر ثابت غیر متغیر است محبت و مودت میان
 ایشان از تقریر و زوال مصون و مامونست و چون بر این
 از طبایع مختلفه مرکب است پس هر لذت جسمانی که ملایم